

علی؛

جان محمد (ص)

سید محمد ابراهیم حسینی



محمد(ص) سی ساله بود و تا سن چهل سالگی که به پیامبری مبعوث شد حدود ده سال در خانه پیامبر(ص) سبکنی گزید و در دامان پاکش پرورش یافت.

علی در کودکی و نوجوانی همواره در کنار پیامبر(ص) بود و بعد از ازدواج با فاطمه(ص) نیز بیشتر در گرد او می چرخید و پیامبر(ص) به علی و فاطمه، به یک اندازه محبت می کرد. بین خانه علی(ع) و پیامبر(ص) تنها یک درب فاصله بود، هرگاه پیامبر اراده می کرد با کسب اجازه وارد کلبه گلین فاطمه می شد. یک پنجره نیز بین دو خانه حائل بود که هرگاه پیامبر دلتنگ فاطمه و علی می شد از روزنه آن، بدانان می نگریست. پیامبر هرگاه به سفر می رفت از آنها خداحافظی می کرد و در موقع بازگشت، اول به دیدار آنها می شتافت، حسنین را با محبت در آغوش می گرفت و آنها را نوازش می کرد. آنگاه پیامبر می فرمود: حسن و حسین، فرزندان فاطمه اند، خدایا من دوستشان دارم، تو آنها را دوست بدار و نیز دوستدارانشان را.^(۳)

مرید و مراد

علی دست پرورده دامان محمد(ص) است. از همان اوان کودکی در مکتب آسمانی او علم و معرفت آموخت، و پیامبر واسطه فیض الهی، و چون کوهساری، چشمه های علم ازلی خویش را به سرزمین وجودی علی(ع) جاری ساخت. علی با شناخت کامل مقام والای نبوت در برابر او زانو می زد و با کمال ادب از بارگاه نبوی کسب فیض می کرد. چنانچه می فرماید: پیامبر بر من، از هر دری، هزار باب علم گشود.^(۴) بفرموده پیامبر که تمام علوم آسمان و زمین در

افتخاراتش می فرماید:

آنگاه که کودک بودم (پیامبر) مرا در کنار خود می نشاند، بر سینه اش جایم می داد و در بستر می خوابانیدم چنانکه عطر بوی او را استشمام می کردم.^(۱)

حسن بن زید بن علی بن الحسین می گوید: شنیدم پدرم زید می گفت، که پیامبر(ص) گوشت و خرما را می جوید و آن را در دهان مبارک علی می گذاشت.^(۲)

وقتی حضرت علی(ع) به دنیا آمد،

در سال ولادت حضرت علی(ع) خشکسالی

در مکه رخ داد. عباس عموی پیامبر و خود آن حضرت(ص) تصمیم گرفتند تا به یاری ابوطالب که مردی عیالوار بود بشتابند و بچه هایش را به سرپرستی بپذیرند. پیشنهاد خود را با او در میان نهادند و سرانجام نگهداری جعفر و علی را به ترتیب به عباس و محمد امین سپردند. حضرت علی(ع) نیز در بیان گوشه ای از

شب معراج در لوح سینه اش جای گرفت، همه آن را به علی (ع) تعلیم داد.

این دین هندی را مثل دایره ای دان پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار علم همه عالم به علی داده پیغمبر چون ابریهاری که دهد سیل به گلزار (کسانی مروزی)

با این اوصاف علی (ع) به دریای علم نبوی پیوست و در پای تعلیم علم آسمانی پیامبر به کمال رسید، رسول اکرم (ص) با شادمانی به او فرمود «بارک باد ای ابوالحسن که به حق تو علم را نوشیدی»^(۵)

از همان آغاز بعثت در غار حرا بعد از نزول وحی، پیامبر (ص) رو به علی کرد و گفت: ای علی به حق تو می شنوی آنچه را که من می شنوم، و می بینی آنچه را از غیب، که من می بینم، جز آنکه تو پیامبر نیستی، ولیکن جانشین و خلیفه منی و تو بر هر چیزی استوار خواهی بود. ^(۶) پس باید گفت تعلیم علم پیامبر به علی به اذن الله و بلکه تکلیف الهی به پیامبر (ص) بوده است.

برای تکمله این بحث، روایتی را از پیامبر نقل می کنیم که خطاب به علی (ع) فرمود: «یا علی خدا به من امر کرد تا ترا به خود نزدیک کنم و ترا پیاموزم و تو آنها را فراگیری»^(۷) در این باره آیه ای نیز از سوی خداوند نازل شده است که می فرماید:

«لنجعلها لکم . تذکرة و تعیها اذن و اعیة»^(۸) - همانا هنگامی که آب از حد درگذشت شما را در آن کشتی - کشتی نوح - سوار کردیم . پیامبر در روز غدیر با انتخاب علی (ع) به امامت و خلافت فرمود: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی . . .»^(۹)

همچنین پیامبر فرموده است: «انا مدینه العلم و علی بابها ضمن اراد العلم فلیاته من بابه»^(۱۰) من به حق شهر علمم و علی دروازه آن شهر است .

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی خداوند امرو خداوند نهی که من شهر علمم علیم دراست درست این سخن گفت پیغمبر است گواهی دهم کان سخن را از اوست تو گویی دو گوشم پر آواز اوست (فردوسی)

اولین مسلمان

پیامبر بارها فضیلت علی (ع) را یادآور می شود و می فرماید: اولین کسی که در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد می شود، نخستین ایمان آورنده به اسلام علی (ع) است . و این به حکم آیه قرآن است «السابقون السابقون اولشک المقربون»^(۱۱) به راستی اهل سبقت، متقرب اند . علی در سنین نوجوانی حدود ۱۲ سالگی در کنار پیامبر، دعوت و رسالت حضرت را لبیک گفت و از او پیروی کرد . او در ایمان از دیگران

است: «اول مردی که به پیامبر خدا لبیک گفت و با او نماز گزارد و دعوتش را تصدیق کرد، علی بن ابیطالب بود.»^(۱۲) یار و یاور

علی ده ساله بود که با پیامبر چهل ساله هم کلام شد چنانکه پیامبر (ص) به او گفت: «انت اخی فی الدنيا و الاخرة» تو برادر من و در کنار من، در دنیا و آخرت خواهی بود . شاعر عرب می گوید:

خود آن حضرت می فرماید: «هر سال در حرا خلوت می گزید، من او را می دیدم و جز من کسی او را نمی دید آن هنگام جز خانه ای که رسول خدا (ص) و خدیجه در آن بودند . در هیچ خانه ای، مسلمان نبود . من سومین آنان بودم و روشنائی وحی پیامبر را می دیدم و بوی نبوت را حس می کردم.»^(۱۳)

با توریق در تاریخ به وضوح می بینیم که امام علی در مراحل خطیری وفاداری اش را نسبت به پیامبر (ص) ابراز کرده است . تنها علی (ع) بود که توانست در «لیلة المیت» در بستر پیغمبر (ص) بخوابد . همانطور آیه ای نیز در قرآن درباره لیلة المیت آمده که کسی را یارای انکار آن نیست .

از میان مردم کسی است که جان خویش را در راه رضای الهی می نهد و خداوند نسبت به چنین بندگان مهربان است^(۱۴) . دیگر آن که وقتی قریش، بنی هاشم را در شعب ابیطالب محاصره کرد، ابوطالب علی را مأمور حفاظت از جان پیامبر کرد . چنانکه ابن ابی الحدید عالم و راوی سرشناس سنی، از محمد بن حبيب نقل می کند «ابوطالب بر جان پیامبر (ص) می ترسید، بسا شب هنگام به بسترش نزدیک می شد و او را برمی خیزاند و علی را به جای وی می خواباند»^(۱۵)

* علی در کودکی و نوجوانی

همواره در کنار پیامبر (ص) بود

و بعد از ازدواج با فاطمه (ص)

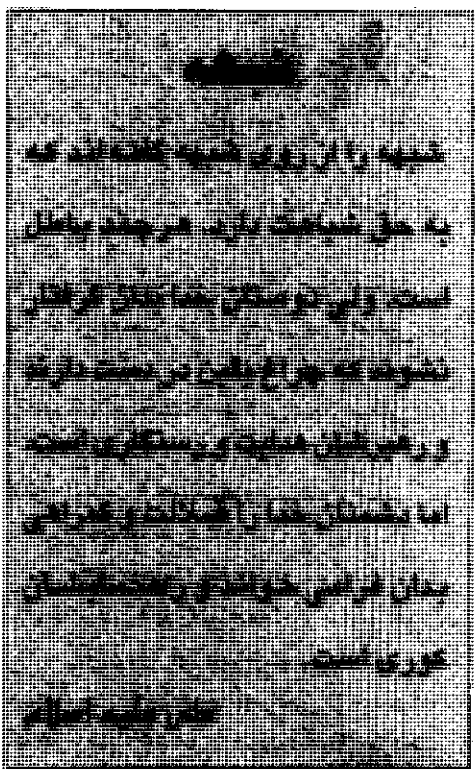
نیز بیشتر در گرد او می چرخید و

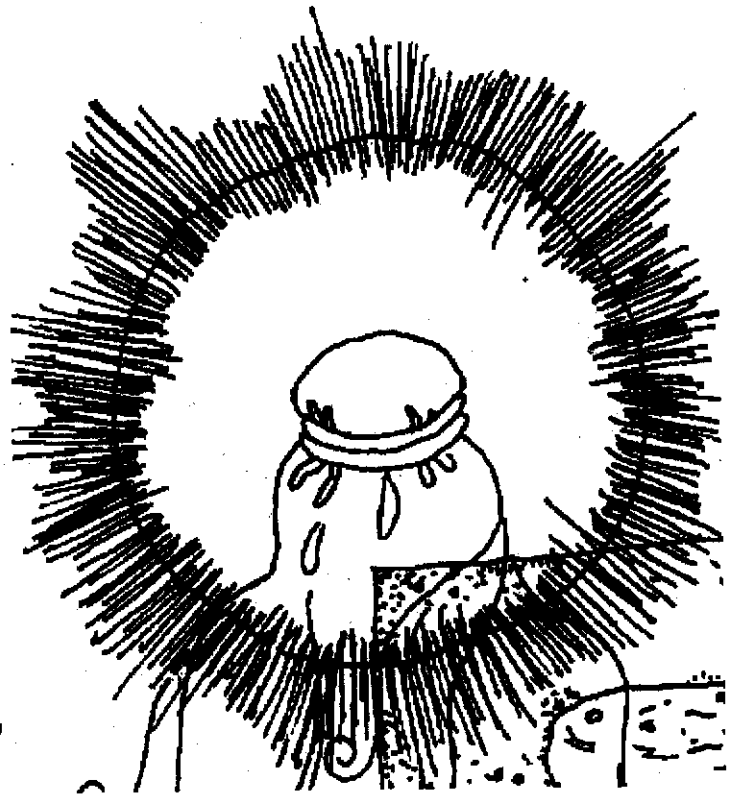
پیامبر (ص) به علی و فاطمه، به

یک اندازه محبت می کرد.

پیشی گرفت و همواره با روح تعبد و ایمان و اخلاص با پیامبر (ص) برخورد می کرد . بعد از گرویدن او به اسلام، خدیجه و سپس زید، دعوت پیامبر را پذیرا شدند . چنانچه علی از دل و جان به پیامبر (ص) می گوید:

تو مرا به اسلام دعوت کردی و من به جان دانستم که امینی و تو را تصدیق کردم و امین راستین تو گشتم . و نیز ایمان داشته و دارم که دینی را عرضه کردی که یقین پیدا کردم از برترین ادیان است . این سخن از قول مخالفان نیز نقل شده است و علمای اهل سنت نیز آن را در کتب خود آورده اند . ابن هشام از قول ابن اسحاق نقل می کند «نخستین مردی که به رسول خدا (ص) ایمان آورد و او را به بدآنچه از جانب خدا آورده بود، گواهی داد، علی (ع) بود.»^(۱۶) در همان زمان عده ای از پیران بی خرد، در ایمان علی تشکیک می کردند و به خاطر نوجوانی در مقایسه با ایمان پیران متفاوت و حتی ناقص می دانستند زیرا تجربه و سن را ملاک برتری می شناختند . این در حالی بود که علی در سن نوجوانی به سؤالات علمی و غامض مردم پاسخ می داد . در کتاب تاریخ طبری آمده





اصحاب از جمله عمر به خواستگاری فاطمه (س) آمدند. رسول خدا (ص) آنها را نپذیرفت و فاطمه (س) نیز از آنها روی گرداند بالاخره عده‌ای از مهاجرین و انصار که محبت پیامبر (ص) را به علی (ع) باور داشتند به حضرت (ع) پیشنهاد خواستگاری فاطمه (س) دادند. آن حضرت در آن دم از شرم سکوت کرد. پیامبر که از اسرار دل علی آگاه است با چهره‌ای باز از او استقبال می‌کند و او را به نامش صدا می‌زند و می‌فرماید «یا علی اهلا و مرحبا بک»^(۱۹) ای علی خوش آمدی. رضایت فاطمه، پیامبر (ص) را خوشحال کرد آنگاه روبه آسمان کرد، ملائک نیز به شغف پرداختند. پیامبر خدای را به این تقدیر شکر گذارد و دعا کرد: خدایا تو پراکنده‌گی‌های بین این دو را جمع کن قلبشان را به هم نزدیک کن، و آن زوج و فرزندانشان را از وارثین بهشت بر روی زمین قرار بده.

پیامبر پس از آماده شدن شرایط ازدواج، به پسر عم خود گفت: ای علی، مردان قریش از من رنجیدند که چرا دخترم را به آنها ندادم و من به آنها گفتم که این کار به اذن خداست و به حق عقد تو و فاطمه در آسمانها خوانده شده است. آنگاه فرمود: «انکحتک احب اهل بیتی ربی»^(۲۰) یعنی من عزیزترین فرد از خانواده‌ام را به عقد و نکاح تو در آوردم، پس تو نیز از او با تمام وجود نگهداری کن.

و نیز حضرت (ص) خطاب به دخترش درباره مقام علی (ع) فرمود: ای فاطمه آیا نمی‌دانی خدا بر همه مردم روی زمین نظر افکند و پدرت را به پیامبری برگزید. آنگاه دوباره نظر کرد و شوهرت را برگزید و به من وحی کرد تا ترا به ازدواج او در آورم و او را وصی خود قرار دهم.

جان جانان

حضرت رسول (ص) محبت قلبی خود را به علی (ع) در جمع مهاجر و انصار در مسجد ابراز می‌کند و می‌فرماید: «مانا عزیز و جان‌نشینم علی است که همواره در کنار من است و برترین یادگار من است که دینم را ادا و وعده‌هایم را عملی می‌سازد.»^(۲۱) از قول عایشه در این باره نقل شده است که او بارها گفته است: ندیدم مردی را که پیامبر بیش از علی دوست داشته باشد.^(۲۲)

در تاریخ شواهدی فراوان از مودت پیامبر (ص) به علی (ع) بیان شده است که به اختصار نمونه‌هایی را در زیر می‌آوریم: در جریان مباهله با یهودیان بخران، حضرت رسول (ص) عزیزترین افراد خود (اهل بیت) را با خود برد که پیشاپیش آنها علی بود، به سمت محل مورد نظر حرکت داد. یهودیان بخران با دیدن این صحنه به وحشت افتادند و دست از مباهله کشیدند. جریان این واقعه نیز در قرآن اشاره شده است.

بر اساس آیه شریفه، علی (ع) جان پیامبر و نفس

علی (ع) را به جای خویش نهاد و او را محرم اسرار و حافظ جان خویش قرارداد. آنگاه که حضرت رسول به مدینه رسید، نامه‌ای به ابوقلیش داد تا آن را به مکه برای علی (ع) ببرد. حضرت در آن نامه سری از علی (ع) خواست تا به همراه فواطم به یثرب (مدینه) بیایند. حضرت بنابه سفارش پیامبر (ص) فاطمه بنت اسد (مادرش) و فاطمه بنت رسول (ص) (همسرش) و فاطمه بنت زبیر بن عبدالمطلب را به سلامت به مدینه و نزد پیامبر رسانید. البته در بین راه مشرکان بنی امیه مانع ورود حضرت به مدینه شدند ولی حضرت در جهت حفظ امانت پیغمبر (ص) تا سرحد جان با آنها جنگید، یکی از آنها را از پای در آورد. چنانچه در بحبوحه جنگ تبوک پیامبر (ص)، اطفال و زنان را به علی (ع) سپرد و به آنها فرمود: نزد علی بمانید که او با من به منزله هارون باموسی است.

حضرت (ص) همچنین امام علی (ع) را در راه تبلیغ به عنوان امین مطلق با اختیار تام می‌فرستاد و نیز او را برای فرماندهی غزوه‌ها و سریه‌ها به نمایندگی خویش برمی‌گزید. و همچنین او را به سرپرستی حجاج انتخاب می‌کرد و به مردم تأکید می‌کرد که به او امر او تن دهند و به حرفهایش گوش بسپارند.

پیامبر (ص) درباره شخصیت علی می‌فرماید: نسبت علی با من بسان وجود من است. اطاعت از او اطاعت از من، و تخلف و نافرمانی از او، نافرمانی از من است.

علی؛ شوهر فاطمه

بعد از نبرد بدر که با شجاعت‌های امام علی، مسلمین به پیروزی دست یافتند. چند تن از

و بالاخره آنکه خود علی جایگاه و انتساب خود را به پیامبر و همراهی و همرازی با او را چنین ترسیم فرموده است. شما مردم به خوبی جایگاه مرا در نزد رسول خدا از جهت تقرب و منزلت خاص پیش او می‌دانید، چنانچه مرا در خانه خود جا می‌داد، گویی که چون فرزندی مرا در آغوش می‌گرفت و به سینه مبارکش می‌چسباند.^(۱۷)

مولا علی تا آخرین لحظه حیات رسول خدا (ص) کنار بستر او بود و پیامبر (ص) در آغوش او جان سپرد. علی، پیامبر را غسل داد و کفن کرد و بر او نماز خواند و او را به خاک سپرد. و بر بالای سرش ایستاد و درد دل کرد و در غم فراقش بسیار گریست.

علی زمره می‌کرد: «رسول خدا (ص) جان سپرد در حالی که سر او بر سینه من بود، شستن او را عهده‌دار شدم و فرشتگان یاریم می‌کردند چه کسی سزاوارتر است از من بدو، چه در زندگی و چه پس از آن.»^(۱۸)

تا صورت پیوند جهان بود علی بود تا نقش زمین بود و زمان بود علی بود آن شاه سرافراز که اندر شب معراج با احمد مختار یکی بود علی بود آن کاشف قرآن که خدا در همه قرآن دادش صفت عصمت و بستود علی بود امین محمد (ص)

علی همواره امین پیامبر (ص) بود و تنها کسی است که محمد (ص) در همه امور با او مشورت می‌کرد. و او را برای مأموریت‌های حساس به اطراف و اکناف می‌فرستاد موقعی که حضرت از مکه عازم مدینه شد، و از دست دشمنان گریخت،

آن حضرت شمرده شده است. محبت آن حضرت به علی غیر قابل توصیف است. عمر بارها آرزو می کرد حداقل یک امتیاز از ویژگی های علی (ع) را نزد پیامبر (ص) به دست می آورد، یا کمی مورد توجه رسول الله (ص) قرار می گرفت. در روایت آمده است: حضرت همه دربهای مسجد الحرام را بسته بود، جز در خانه علی. و هم آنکه حضرت در روز پیروزی جنگ صفین، پرچم فتح را به دست او سپرد. (۲۳)

در روایت دیگری به نقل از خاتم پیامبران آمده است: علی از من است و من نیز از علی ام و به حق قدر مرا جز علی و قدر علی را جز من نمی داند و جز من و علی کسی نمی تواند حق محبت و... ما را ادا کند.

نماینده ویژه

علی همزمان با فتح مکه و تسلیم شدن قریش، شبانه به شکستن بت ها در خانه کعبه پرداخت و خانه خدا را از لوٹ و وجود بت ها پاکسازی کرد. بعد از تسلط بنی هاشم بر قریش، خالد بن ولید از یاران پیغمبر (ص) با تنظیم نقشه ای دست به کشتن کفار قریش زد و عده زیادی از آنها را در دوره ای محاصره و قتل عام کرد. اقدام بنی خالد بن ولید خشم کفار قریش را برانگیخت و می رفت که جنگی سخت روی دهد و نیز قلب پیامبر (ص) از این حادثه سخت جریحه دار شد. چنانچه رسول خدا با شنیدن این خبر دست به آسمان بلند کرد و به خدا عرض کرد: خدایا تو میدانی که من راضی به این گونه رفتار نبودم و این چنین نمی خواستم و... پیامبر بلافاصله علی را به میان مردم فرستاد تا از بازماندگان قریش دلجویی کند و دلشان را به دست و خونبهای کشتگان را پردازد.

این اقدام عاجل پیامبر (ص) و برخورد مدبرانه علی (ع) با مردم قریش باعث شد که آنها راضی گردند و دست از جنگ بکشند و هم آنکه عده زیادی از آنها مسلمان شوند. در سال دهم هجری نیز پیامبر (ص) خالد را به یمن فرستاد تا برای تبلیغ به میان آنها برود. ولی خالد طفره رفت.

حضرت علی (ع) را به جای وی به یمن فرستاد و نامه ای نیز به او داد تا برای مردم یمن بخواند. امام علی (ع) به یمن رفت و با جذابیت کلامی و برخورد نیکش، مردم را به خود جذب کرد و نامه پیغمبر (ص) را برای آنها خواند چنانچه همه مردم یمن مسلمان شدند. علی (ع) از همانجا این خبر مسرت بخش را طی نامه ای برای پیامبر (ص) ارسال کرد. پیامبر (ص) همچنین قرائت سوره براءت را بعد از نزول به علی (ع) و انهادت در جمع مشرکین مکه تلاوت کند. لذا او را سوار بر نامه مخصوص خویش کرد، چنانچه مشرکان با شنیدن صدای شیبه ناقه گمان می کردند که پیامبر (ص) سوار آن است.

پرچمدار اسلام

در صدر اسلام امام علی فرماندهی و پرچمداری جنگهای مهم را برعهده داشت، به اختصار به آن اشاره می کنیم: در جنگ احزاب همه افراد از مقابل با عمرو بن عبدود ابا می کردند و می رفت که لشکر اسلام را به شکستی وادارد. در این وقت به اذن خدا، پیامبر (ص) علی (ع) را برای مبارزه با این دشمن غدار برگزید. و حیدر کرار مشتاقانه به عرصه رزم شتافت.

پیامبر سرورش که عمر است این که دست یل آخته در آستین علی گفت ای شاه اینک منم که یک بیشه شیر است در جوشنم پیامبر، جنگ خندق را صف آرایی همه ایمان (با ذل حیدری) در مقابل همه کفر تعبیر و سپس دست به سوی آسمان دراز و برای پیروزی علی (ع) دعا کردند.

علی، حریف را شکست داد و پیامبر از سیر شوق، علی را در آغوش گرفت و فرمود: یک ضربه علی (ع) در روز جنگ خندق از عبادت ثقلین هم بالاتر و برتر است. امام علی در جنگ خیبر از سوی پیغمبر (ص) مأمور شد تا در قلعه را بگشاید تا مسلمانان نجات یابند امام علی (ع) در قلعه را از جا کند و در نهایت این جنگ به پیروزی مسلمانان انجامید. امام علی (ع) همچنین در جنگ بدر به دستور پیامبر (ص) به جنگ با ولید بن عتب شتافت و او را به هلاکت رساند. آن حضرت (ع) در جنگ تبوک به دستور پیامبر (ص) در مدینه ماند و در جنگ شرکت نکرد.

جانشین خاتم پیامبران

طبق نقل تاریخ صد هزار نفر از مهاجر و انصار در صحرای غدیر با علی (ع) دست بیعت دادند. حتی دشمنان و مخالفان نیز قادر به نفی آن نبودند، چنانچه عمر در همان روز، دست بیعت با علی (ع) داد و گفت: مبارکت باد ای علی که تو مولای من و مولای همه مؤمنان گشته ای!!

پیامبر (ص) به همراه هزاران نفر از حجة الوداع برمی گشتند تا آنکه به صحرای بزرگ دشت غدیر رسیدند. وحی نازل شد: به دستور پیامبر (ص) با جهاز شتران منبری ساخته شد. حضرت به بالای آن رفت و شروع به ایراد خطبه ای غرا کرد. بعد از آن پیامبر عظیم الشان اسلام در بخشی از این خطبه فرمودند: من امروز شما را گرد آوردم تا خبری مهم به شما برسانم و به انجام رسالت خویش پردازم. توجه همگان جلب شد پرسیدند آن چیست یا رسول الله. حضرت فرمود: من به زودی از میان شما می روم و دو تفل گرانها را نزد شما به امانت می نهم یکی قرآن است و دیگری عترت من که آن دو هیچ گاه از هم جدا نخواهند شد تا روز قیامت...

پیامبر دست علی (ع) را بالای سر خود برد

چنانکه همه دیدند. سپس چندبار به اطراف نگریست و با صدای بلند فرمود: آیا شما مرا به عنوان پیامبر و صاحب اختیاران باور دارید؟ همه گفتند بله یا رسول الله، سپس حضرت سه بار بلند فرمودند: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» یعنی «هرکسی را من بدم مولا و دوست بعد من مردم علی مولای اوست». (۲۴)

کتابهای پیشنهادی

- ۱- نهج البلاغه خطبه قاصمه ش ۱۹۲.
- ۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۲۵۱.
- ۳- منتخب کنز الجمال ص ۱۰۵.
- ۴- نهج البلاغه حکمت ۱۴۷. صبحی صالح.
- ۵- حلیة الاولیاء ص ۶۵.
- ۶- نهج البلاغه صبحی صالح خ ۱۹۲ خطبه قاصمه.
- ۷- حلیة الاولیاء ص ۶۷.
- ۸- سوره الحاقه آیه ۱۲.
- ۹- بحار الانوار ج ۲۰ ص ۲۱۰.
- ۱۰- الاستیعاب فی معرفة الاصحاب ابن عبدالله ج ۳ ص ۲۸.
- ۱۱- سوره واقعه آیه ۱۰.
- ۱۲- سیره ابن هشام ج ۱ ص ۲۶۴.
- ۱۳- تاریخ طبری ج ۲ ص ۵۵.
- ۱۴- نهج البلاغه خطبه قاصمه ۱۳۹.
- ۱۵- سوره بقره آیه ۲۷۵.
- ۱۶- ترجمه نهج البلاغه ج ۱۴ ص ۶۴.
- ۱۷- نهج البلاغه صبحی صالح خ ۱۹۲ قاصمه.
- ۱۸- نهج البلاغه صبحی صالح خ ۱۹۷.
- ۱۹- ذخائر العقبی ص ۳۳.
- ۲۰- منتخب الکنز ص ۳۱.
- ۲۱- محاضرات راغب ج ۲ ص ۲۱۳.
- ۲۲- ذخائر العقبی محب الدین طبری ص ۶۲.
- ۲۳- ذخائر العقبی ص ۶۰.
- ۲۴- مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۱۹.

تذکرات

هر باطن با حق نمی آید
 چون با حق بیگانه نمی آید
 حق به باطن بر نشسته نمی آید
 زمین معانی از طعن بریده می آید
 و بی همراهی از حق و پاره می آید
 از باطن سر هم می آید
 حقی شیطان بر پوستان خود
 مستور می شود
 علی علیه السلام